

بنام خدای بخشایشگر مهربان

## ترجمه وصیت نامه علامه مجلسی



علامه محمد باقر مجلسی صاحب کتاب بحار الانوار در  
۱۰۳۷ هجری نبوی پا بعرضه وجود گذاشت پس از ۷۴ سال  
زندگی در ۱۱۱۱ هجری نبوی دیده از دنیا بست.  
علامه مجلسی در دوران زندگی تالیفات سودمند و گرانبها  
بجای گذارد که اشهر آن بحار الانوار است، وصیت نامه او نمونه  
دیگری از خلوص نیت و پاکی ضمیر استاد است.



بسم الله الرحمن الرحيم

الهمم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم اللهم انه لو ان كل من في  
الارض من النعمان اشد ان لا اله الا انت وحده شكك به وان كان احد من العالمين  
وان آمنه من ان الرحمن وان البعث من وهاب من والصدق والبرحق والمبران من  
وان الدين كما وصفه وان الاسلام كما شئت وان القول كما حدثت وان كنت لتصدق المين  
خواتم خراج صبيته الله عليه وآله منا خير اخوانا وحسنه خيرا وآل خيرا باق الله خيرا  
عند كثير وبما جبر من شئت دبريا ولا تفر من الله والآيات في حشر طرفه من ابدانك ان كل من  
ذرة من اقرض من الله او من اخيرا من خلقه وحشره واسطى فذلك صديوم الظالمين

الله تعالى لا يقدر الا وجه ولا يدوم الا ملكه من الفرز بالقدرة والباء وتقر صاها بالحيث  
وتفرد بالآلاء والنعما والصلوة على سيد المرسلين وقر العالين وشيع المذنبين تقدر من ذلك  
النبئين والجميع بلبه المطهرين شفعا يوم الدين لا سيما بقية وجيله جليله على الله  
واثرفه الرصين اما بعد فهذا اوضح المذنب الفاظ العاثر المقتصر العاثر من الموءمة خيرا  
او ما تباها بمينا وحسبها بما جبر الله ان له فانه ربه وحده ما صفة واخطاه  
وساير المؤمنين لا يصح شهادة ان لا اله الا هو وحده لا شريك له وان لم يتبينه جليله  
عبده وسلبه جليله باني المؤمنين لانه لا اله الا هو وحده لا شريك له  
فهم فانهم مصدون بطون منصوصون بالآيات والقران من الله ومن رسوله صلى الله  
عليه واله وسلم جميعهم من الله على خلق واثرفه المؤمنين بعد سيد المرسلين وان الموت من سمع الله  
والله يشهد على نفسه حتى الجحيم انتم من العالمين وان العاظم والميران والحصار والظلم  
من والجميع اجاب به انتم من الله عليه ولا كاشية او نحوه وصياوة جميعهم من الله وان الله  
المبين على ذلك اجابا وعلياوت وعلياوت لم او صيهم ونقص الحاطة بقوى الله واتجاه اوله  
فاجتبايا حظه والشرك عليه في جميع المذنب والدين والشرك جليل المين اعز انتقاء  
الاسماء الجليل صلوات الله عليهم اجمعين وجل جهنم شراهم وتروي اخبارهم فانه اعلم  
الركان وسيله يرضيها الى الدرجات العالمة لتعاديات الجاهل ووقتها وقيمتها بيتي  
طرقا منعت بلكة الهامة فرتصار العربية والفارسية باكثر الله الحق والصدق في  
وسائر التعابير وحتى لا يتقن ولا حمل على الآلات الصالح العظيم ثم انرا مزايا در باقر  
عالم الاحكام والتعاطف وان يقر صغيرهم كهيم ويزجر كبيرهم من صغيرهم ولا يخطى فرس خيرا جليله  
الله انهم عليهم جعلت ولا يهتار ولا در واهل ديون والطلب عليهم كرا غير وظنة لبدى

محمد رضا نظارة العالمين العالمين كرمين انفسين جليل غير وان امره  
محمد رضا والسيد الايمان بالله الامير محمد صالح مع حضورهما والآن كل من جهتها طمعتا  
وبهتوا انه قال وراية بعض حق قران اعوانا ان لا يصح حقا قول وصبر اليوم برعانه صحرا ورويا  
وتعلمهم وتربيتهم بلطف الحق وعدم تضييق الاضيق والعبث معهم ثم تضاف ديوتا الطغوية فبندهم  
يقت شرا ويلبذوا جدم فرايا، انتم من حقوق الله كما وحقوق الناس واحسانه بملفوظات  
في هذا البلد فرحله والدرر فرس لته روح ان يسهه فان ماسدك للورع الصفح المفتوحه ان لا يقد  
يكن احسانه اعدى يسهه بغير ما تمتد او فر وسط الغيبة معايد بانه في موضع غير ذلك فرعد  
جدد العرف وبقائه وان امكن شرا، معان قد فر من فضة رس برابكيت بمعين من غده ابن العمي  
السبحي من فانه يكثر اجوات طريقينها فوق الشرايع او محمد بسنة او لم يتقوا المذنبين من ذلك  
واعادته ثم لاذت فترضايعه كل كان يحظر لقلوبه او بعضها ان رسد اصلا كامة المؤمنين من ذلك  
ان فارسه في ذلك المذنب التي حينها سنتمها قدس وفرضه توليتما اصلا ولا در للذكور ثم لاص  
او داود والذکور ورجس واذا الصانع و علم مع رسد اصلا واطرح و مع منهم من صيها  
ومذنبان سمعها مع بقدهما الصالح عليهم العباداته فالا اصلا اولاد اخر انما ثم اصلا اولادها  
ثم اصلا اولادها اخر اذ روحهم والعبادات نالت العالم الموت المواقف مستح من الله عز وجل  
ان يكونها ومع الله و الاستعانة وانك في جميع المراتب فامرت من القوم الشريفين وجودا وكونا  
القران الصالح مع محمد رضا خبير ممنون ان بابنا الملك محمد فانه يعرف هو اقمها والتمس على ذلك  
ان لا يسلوا اخر جميعه تدبر ولا يدخلوا فر روحهم من ليس له ولا اله، ولا يصحبه وكذا قوله العبد  
به تضره مرنا، احكام الزكاة سلك ان البرور العفو ان سلكه سليمان اخلاصه من عو جهات  
الحق المذكورة بالبريد المتطور وكذا قوله جميع القبول كانت ابتداء او بعد المر نور الله  
الخير في لفظ كاطر ونفسه خيرا رحمة الله عليها وقلنا انك كسبت البرورات بابورات حشره  
مع الآتم الظاهرين وكنت صبا لجلد السيد حسن من الآيات ومع اسرهم وكتب في ابيات وفرها  
وكنت والعلامة ومع الصدقاء الهندية فر محمد بن فخر قوبل الفسحة البهاية برارا والبلد الاول  
والفقيه وكتاب ارجال كسبت مصطفى الزهرية حواشيه بظ الشريف وكلمة كان من صانعه  
فرس لظيفة من البرية والفارسية كلها وكنت كامة المؤمنين وكذا الصحيفة الحاطة بظ الحجرة  
المتله على الاسعار وخرها بظ الحقة والقران في جميع شرا القبول المذكور وكذا قران او حجة او سا  
الكتب التي كانت ناظر الالهية او تنويرها الا ان كان الشرط والوقف على خلاف ذكره فليس مقتضا  
على كسب زكاة وقف بل بوجه البريليجي فانه ويعرف في ليا الجمع والايها و بالازمنة الشريعة  
والسكن من التبادات وغيرها وكذا ما ذكره في الاستحسان وندفرا فاقده محمد رضا  
ونما انجان الملقح فربك اشعان مصارفة حقة فر الوفعية وسرا الوصايا ككتبها وتذخر  
فروح تلك الودقة وجميع بظ وعينها مقرر من قله بعد باسمه فلما اثبتت في الترميز يولد في ربه  
شعبان المعظم 1108 هـ



رفقاییش و همشهریهایش و دوستانش وسایر مردم با ایمان، وصیت کرده است .

به آنان وصیت میکنم که البته شهادت میدهم باینکه غیر از آن غیب مطلق معبود بحقی نیست . او یکتا است و برای او شریکی نیست. البته محمد سید انبیاء و نخبه اصفیاء بنده خدا و فرستاده خدا و پیامبر خدا و دوست خدا و فدائی خدا است. و البته امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و امامان یازده گانه از نسل او همانها که آخرین ایشان قائم آنهاست معصومند، مطهرند، از جانب خدا و از جانب رسول خدا (صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین) امامت و خلافتشان منصوص است ، و آنان حجتهای خداوند بر خلق ، و بعد از سید المرسلین اشرف خلایق اند. و البته مرگه راست است. و سؤال قبر راست است و برانگیخته شدن مردگان راست است. و حساب راست است. و قدر راست است. و قبر راست است. و ترازوی اعمال راست است. و البته دین همانگونه است که وصف فرموده ئی. و البته اسلام همانگونه است که مقرر فرموده ئی. و البته گفتنی همان است که گفته ئی. و البته تو خدای ثابت و آشکاری. خدا از جانب ما مسلمانان به محمد (خدا بر او و آتش درود پیاپی بفرستد) بهترین پاداش راعنایت فرماید! و محمد و آل محمد را به سلام تحیت بفرستد!

### دست حاجت بدرگاه خدا

بارخدا یا! ای دلخوشی من! هنگام گرفتاری من. و ای بار من! هنگام سختی من. و ای ولی نعمت من! ای معبودم و ای معبود پدرانم! هیچگاه مرا یک چشم بهم زدن، بخودم و امگذار، زیرا اگر باندازه یک چشم بهم زدن مرا بخودم و انگذاری به شر نزدیک میگردم از خیر دور میشوم. پس در قبر وحشت مرا به آرامش مبدل ساز! و برای روزی که ترا دیدار میکنم - در حالیکه نامه اعمالم گسترده است - نزد خود عهدی قرار بده که در امان تو باشم.

### ستایش خدا و درود بر پیامبر و آتش (ع)

ستایش خاص خدائی است که او باقی میماند و بس. و ملک او جاوید میماند و بس. او کسی است که به عزت قدرت و بقاء اختصاص دارد و بندگانش را بمرگ و فناء مقهور ساخته است و دادن نعمتهای ظاهره و باطنه را بر عهده گرفته .

و درود پیاپی بر سید مرسلین و فخر جهانها و شفیع گناهکاران محمد بن عبدالله خاتم پیامبران و بر خاندانش که پاکان و شفعاء روز جزا اند ، بالخصوص وصی پیامبر و حبیب او و خلیفه اش بر امتش امیر المؤمنین و اشرف الوصیین .

### پیش درآمد وصیت نامه

اما بعد. بالتلیجه این وصیت نامه ئی است که گنهگار خطاء پیشه لغزش کار کوتاهی کننده نارسا محمد باقر پسر مولی محمد تقی ( نامه اعمالشان بدست راستشان داده شود و آنان با حساب آسان محاسبه شوند ) بسوی فرزندان و خویشان و عشایرش و

### سفارش به حق

سپس مسلمانان و خود خطاء کارم را سفارش میکنم به تقوای خدا متابعت فرمانهای خدا و دوری از خشمگاههای خدا و توکل بر خدا در جمیع امور دنیا و دین و تمسک بر یسمان محکم خدا یعنی پیروی آثار ائمه طاهرین ( صلوات الله علیهم اجمعین ) و بکوشش تمام در نشر آثار امامان و ترویج اخبار آنان - چه آنکه در این زمان وسیله ئی نمیدانم که بتوان بدرجات عالی و سعادت باقیه دست یافت که محکمتر از آن آثار و اخبار باشد.

و علی التحقیق آنچه از راههای نجات بیرکات ائمه هدا بر من آشکار شد در تصانیف عربی و فارسی خودم به اندازه ئی که برای طالب حق و یقین کفایت کند ، بیان کردم - بالخصوص در دو رساله عقاید و ( کتاب حق یقین خودم ) و ( لاهول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ) .

### وصیت درباره فرزندان خود

سپس البته من فرزندانم را سفارش میکنم به موافقت باهم و رحم و عطف با یکدیگر . و اینکه کوچکترشان احترام بزرگترشان را رعایت کند، و بزرگترشان بر کوچکترشان مهربانی کند. و در هیچ چیزی از کارهاشان اختلاف نکنند که بالتلیجه دشمنانسان بر آنان چیره میشوند .

### تعیین وصی و ناظر

و قرارداد مولایت فرزندانم را و اداء دیونم را و عمل



آنان ( والعباد بالله ) پس امرتولیت مفوض است به عالممحدث موافق بامسلك من از شاگردانم : خواه با واسطه شاگردم باشد یا بیواسطه و با تعدد و اشتباه در اصلح یا نزاع در جمیع مراتب مزبوره پس تولیت مفوض است بکسی که قرعۀ شرعیۀ اورامعین میسازد .

و بازنده بودن فرزند عزیز صالح ملامحمد رضا برای متولی سزاوار است که کتابها را از دست او نگیرد زیرا البته او بمواقع کتابها شناساتر است.

## وصیت درباره رعایت دوستی یاران موافق و

### پرهیز از اشخاص منافق

۵- و از فرزندانم خواهش میکنم که آنان را که از قدیم بامن مصاحب بوده اند ترك نکنند ، و در امور خود کسی را دخالت ندهند که نه عهد دارد و نه وفاء و نه اندرز میدهد.

## تعیین تکلیف کتابهای خریداری شده از درآمد

### حمام شاه سلیمان صفوی

۶- و همینگونه تولیت کتابهایی را که از درآمد حمامموقف نمودم همان حمامی که سلطان نیکوکار آمرزیده شاه سلیمان ( خدا وی را در بالاترین غرفه های بهشت جای دهد ) وقف فرموده، به گروه مذکور به ترتیب مسطور تفویض کردم .

### تعیین تکلیف بقیه کتابها

۷- و همینگونه تولیت جمیع کتابهایی که در ابتداء از من بوده یا بعد از رحلت پدرم ( خدا قبرش را نورانی سازد ) بامن بوده مثل کتابهای حدیث از حافظ کاظم و کتابهای حدیث از سید محمد علی ( رحمت خدا بر آن دو ) و کتابهای حدیث از سید نیکوکار شاه ابوتراب ( خدا وی را با ائمه طاهرین محشور فرماید ) و کتابهای سید بزرگو از سید حسن از آل براق ( خدا روحش را شاد فرماید ) و کتابهای میرزا غیاث و غیرها و کتابهای پدرم علامه ( خدا مقامش را بلند کند ) یعنی کتاب تهذیب طی دو مجلد که محققاً چند بار بانسخه شیخ بهائی مقابله گردیده و مجلد اول از کتاب کافی و کتاب فقیه و کتاب رجال سید مصطفی ( خدا او را رحمت کند ) که پدرم بخط شریف خود بر آن حاشیه ها نوشته و هر آنچه از تصانیف پدرم ( خدا ملکوت او را پاکیزه کند ) بخط خود او است از عربی و فارسی کل آنها بر کافه مؤمنین وقف است و همینگونه صحیفه کمله که بخط پدرم است و مجموعه مشتمل بر اشعار و غیرها که بخط پدرم است - و در جمیع آنچه ذکر شد تولیت به ترتیب مذکور است .

و همینگونه هر قرآنی یا کتاب صحیفه ئی یا دیگر کتابها که من بر آنها سمت نظارت داشتم یا در آنها سمت تولیت داشتم مگر

به وصایایم را با نور چشم و پاره جگر محمد رضا به نظارت دو فاضل عالم عامل ذیرک و پرهیزکار دوست دلم و پسر برادرم مولانا محمد نصیر و سید نیرومند علامه امیر محمد صالح - با حضور هر دو و اگر هر دو حاضر نباشند هر کدام که حاضر بودند . پس باینوصی و دوناظر توافق کنند و باید تراضی نمایند و اهتمام کنند محض خدای تعالی و برای رعایت بعضی حقها که بر آنسان دارم ، اگر معترفند که البته برای من حقی بر ذمه آنان است.

## موارد وصیت

۱- پس وصیت اول من بآنان رعایت اولاد صغیر من و تعلیم آنان و تربیت ایشان است بالطف و رفق و تنگ نگرفتن امر زندگانی بر آنان است.

۲- سپس پرداختن قرضهای من است که نزد آنان مظنون است و اگر چه بر حسب موازین شرعی اثبات نشده باشد و باید در ابراء ذمه من از حقهای خدای تعالی و حقهای مردم کوشش خود را بکار برند.

۳- و دوست میدارم که اگر در شهر اصفهان مردم مراد رجوار پندم ( خدا روح او را پاکیزه کند ) دفن کنند اگر مکانی مناسب میسر شود و اگر چه به برداشتن صفه ئی باشد که بخارج مفتوح است تا حدی که احداث قبر و لحدی در آن ممکن شود، بطریق که آنچه زیر آن است ضرری نرساند. یاد میان گنبد مقابل قبر پدرم در محلی که آقا جلال معرف برادر دینی من ( و فقه الله ) میداند. و اگر ممکن شود خرید مکانی نزدیک به مدفن پدرم ( روانش پاکیزه باد ) مانند خانه حکیم که سید حسین علی پسر خواهرم آنرا گرفته است - زیرا امکان دارد از بالای شارع یا زیر آن راهی به یکدیگر احداث کنند - در این صورت باید بخرند و وقف نمایند برای مدفن من و مدفن فرزندانم و خویشانم .

## تعیین تکلیف کتابهایی که خود موصی

### تصنیف کرده

۴- سپس البته تصانیف خودم را هر آنچه بخط خودم است خواه کل آن بخط من باشد یا بعضی آن یعنی نسخه های اصل را بر کافه مؤمنین وقف نمودم؛ خواه آن تصانیف عربی باشد یا فارسی. و همچنین نسخه هایی که از روی آن برای مردم نسخه برداشته ام و تولیت آنها را به اصلح اولاد ذکورم تفویض کردم سپس به اصلح اولاد، اولاد ذکورم و باتساوی در صلاح پس تولیت با اعلم است با تقدم طبقه اعلی بر اسفل - اما مرادم از صالح صالحی است که آن نسخه ها را ضبط کند و به مستحق آنها برساند.

و بافقد صالح بین اولاد ذکور و اولاد اولاد آنها ( والعباد بالله ) پس تولیت مفوض است به اصلح اولاد برادرانم سپس به اصلح اولاد دخترانم سپس به اصلح اولاد خواهرانم. و بانبودن

موقوفه‌ئی که برخلاف ترتیب مذکور شرطی داشته باشد که در اینصورت باید بمقتضای شرط رفتار شود.

### املاك موقوفه

۱- ملك كركندى برمصارف بربه وقف است پس باید درآمد آن جمع‌آوری شود و در شبهای جمعه و روزهای جمعه و بقیه اوقات شریفه دیگر صرف فقراء و مساکین از سادات و دیگران بشود.

۲- و همینگونه درآمد زمینیکه درحوالی اشکاوند است که از اوقاف جدۀ فرزندان محمد رضا است.

۳- و درآمد کاروانسرای واقع درتل عاشقان مصارفش در وقیت معلوم است.

و سایروصایا را در ورقه دیگری نوشتم و آنرا درجوف همین ورقه وصیت نامه‌گذاردم و جمیع آنها بخط خود من است و مهرمن بر آنها است، پس هرکس بعد از اینکه وصیت نامه مرا شنید آنرا تبدیل کند پس جزاین نیست که گناه تبدیل برعهده کسانی است که آنرا تبدیل میکنند.

### تاریخ وصیت نامه

و این وصیت نامه دریستم از شعبان المعظم سال یکهزار و

یکصد و هشت نگاشته شد.

### توضیحات

- ۱- کربکند ازقراء دهستان برخوار اصفهان است.
- ۲- اشکاوند از قراء دهستان کراج اصفهان است.
- ۳- کاروانسرای تل عاشقان نزدیک بیمارستان سنبلستان اصفهان است. و اینجانب مکرراً دیدم که حجره‌های آن در اجاره نجارها بود و در آنجا درودگری میکردند.
- ۴- جابری انصاری در کتاب تاریخ ری و اصفهان در وقایع سال ۱۳۴۸ قمری مینویسد: حاج مشیرالملک فاطمی... کتب خانوادۀ امامت را که اول کتابخانۀ ایران بود و خزانه عهدمرحوم مجلسی و خاندان امام جمعه، از اولاد حاج میرزا هاشم خرید. ۵- استحضار از این وصیت نامه مدیون همت آیت الله العظمی استاد بزرگوار است که طبق سفارش پایایی علامۀ مجلسی - در متن وصیت نامه که عامه مؤمنین از این وصیت نامه مستحضر شوند - در دسترس انتشارگذارده‌اند و بسی شایسته است این وصیت نامه بزبانهای انگلیسی و فرانسه و غیره هم ترجمه شود.

والسلام علی من اتبع الهدی .

«حجت بلاغی»

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی